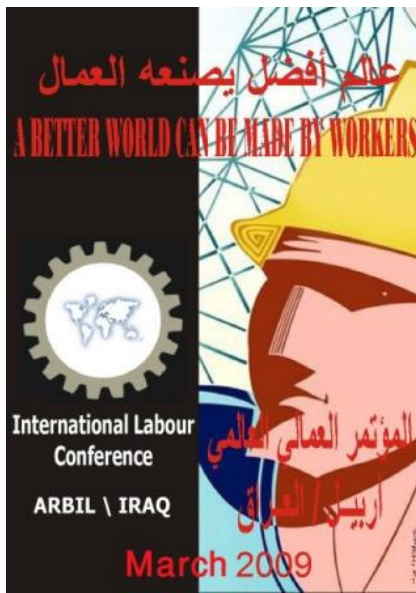




کنفرانس جهانی کارگری در شهر اربیل کردستان عراق برگزار شد

روزهای ۱۳ و ۱۴ مارس ۲۰۰۹ کنفرانس جهانی کارگری (International Labour Conference) در شهر اربیل (هه ولیر) پایتخت حکومت منطقه ای کردستان عراق برگزار شد. شعار کنفرانس این بود: "یک دنیای بهتر می تواند توسط کارگران ساخته شود". این کنفرانس حاصل چندین ماه تلاش و تدارک کنگره آزادی عراق، اتحادیه کارگران نفت عراق و اتحاد عام شوراها و اتحادیه های کارگری عراق بود و حدود دویست نفر از فعالین کارگری عراق و فعالین جنبش های اجتماعی و حرکات اعتراضی علیه جنگ از عراق و کشورهای دیگر از جمله آمریکا، بریتانیا، ژاپن، استرالیا، ایران و آفریقای جنوبی در آن شرکت کرده بودند. همچنین نماینده سازمان ملل در عراق (یونامی) و نماینده استانداری اربیل نیز در کنفرانس حضور داشتند. در جوار کنفرانس نمایشگاهی از هنرهای تجسمی نیز با همان شعار برپا شده بود که قبل از آغاز کنفرانس

در حاشیه پیام اوپاما و جواب خامنه ای

خالد حاج محمدی

پیام نوروزی اوپاما به مردم ایران و راس آن سران جمهوری اسلامی عکس العملهای مختلفی را به همراه داشته است.

پیام اوپاما در ادامه سیاست تا کنونی خود و سیاست دوره اخیر دولتش، روشن و گویا است. این پیام تا همین جا اعلام کنار گذاشتن حربه تهدید نظامی و تلاش برای حل اختلافات از راه دیپلماسی و تماس و مذاکره مستقیم مقامات آمریکا با سران جمهوری اسلامی است. آمدن اوپاما و تغییراتی که در سیاست خارجی دولت آمریکا ایجاد شده است، همگی انعکاس تغییرات بنیادی تر در سیاست و توازن قوی دنیا و تغییر نقش و جایگاه قدرتهای اصلی امپریالیستی در آن است که اینجا مورد بحث من نیست، دلیل هرچه باشد، دولت اوپاما با اعلام آمادگی بی قید و شرط برای مذاکره مستقیم و اعلام آمادگی برای ایجاد توافقات فی مابین، توپ را در میدان جمهوری انداخته و دولت ایران را با چلنجی جدی روبرو کرده است.

جمهوری اسلامی با جواب مثبت یا منفی به پیام رئیس جمهوری آمریکا در هر حال با سود و زیانهای معینی طرف است. نفس مذاکره مستقیم با دولت آمریکا، سلاح مبارزه "ضد امپریالیستی" دولت ایران و سلاح ضد آمریکایی و ضد استکبار جهانی را که یکی از پایه های اصلی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی است را از دست دولت ایران میگیرد. این امر نه تنها در خود ایران و در میان جریانات و دستجات اسلامی، بلکه در عراق و لبنان و فلسطین نیز مشکلاتی برای جمهوری اسلامی ایجاد میکند. جمهوری اسلامی تا کنون و در اذهان مردم و جریانات و دولتهای مختلف به عنوان دولتی اسلامی و ضد آمریکایی شناخته شده است و از این خاصیت خود نیرو گرفته است و نه تنها سمپاتی جریانات ارتجاعی، اسلامی و تروریستی، بلکه در نبود آلترناتیو انسانی و متمدن، در بسیار از کشورها از عراق و فلسطین تا لبنان و ... میان مردمی که تنفر عمیق از دولت آمریکا دارند سمپاتی کسب کرده است.

تا جائیکه به مردم و رژیم اسلامی بر میگردد سیاست دولت اوپاما و کنار گذاشتن گزینه جنگ و حمله نظامی به ایران از طرفی نگرانی و ترس و کابوس حمله به ایران را از بالای سر مردم برداشته است و از طرف دیگر حربه جنگ و فضای جنگی به بهانه خطر جنگ را نیز از جمهوری اسلامی خواهد گرفت. نفس این مسئله ایجاد فضای دائم جنگی، چماق سی ساله حکومت



آیا شغلها را میشود حفظ کرد، دستمزد ها را میتوان اضافه کرد؟ در حاشیه و به مناسبت اعتصاب یک روزه در فرانسه حسین مرادابیگی

دومین اعتصاب سراسری در فرانسه در ۱۹ ماه مارس برگزار شد. این اعتصاب که در آن بین یک تا دو و نیم میلیون نفر شرکت کرده و به خیابان آمدند در دفاع از شغل ها و دستمزدها و در کل در اعتراض به اثرات مخرب بحران اقتصادی جهانی سرمایه بر زندگی طبقه کارگر و دیگر مزد بگیران این جامعه، صورت گرفت. هر ۸ اتحادیه بزرگ فرانسه این اعتصاب را فراخوان داده بودند. همانطور که انتظار میرفت این اعتصاب از حمایت توده ای بسیار بیشتری نسبت به اعتصاب قبلی که در ۲۹ ژانویه امسال انجام گرفت، برخوردار شد. در این اعتصاب، رانندگان و کارگران قطارها، کارگران پست، معلمان، استادان دانشگاهها، کارگران شهرداری ها، کارگران ماشین سازی ها، کارگران نفت، کارگران سوپرمارکتها و غیره و غیره شرکت داشتند. خواست این اعتصاب، متوقف کردن اخراجها بویژه در بخش عمومی، افزایش دستمزدها و به جای کاهش، افزایش مالیاتها برای ثروتمندان بود. بنا به آمارهای انجام گرفته در فرانسه، ۷۴ درصد از مردم فرانسه از این اعتصاب حمایت کردند. ۶ درصد بیشتر از اعتصاب ۲۹ ژانویه. در جریان این اعتصاب کارگران برای ابراز اعتراض خود روشهای مختلفی را در پیش گرفتند از جمله ربودن رئیس شرکت سونی بخش فرانسه به خاطر بستن این شرکت و نگاهداشتن او برای یک شب. همچنین در اعتراض به بستن کارخانه کنتینتال به طرف رئیس این کارخانه تخم مرغ پرتاب کردند. رئیس آن برای بازکردن این کارخانه با کارگران به توافق رسیده بود، برخلاف روش کاری کارگران فرانسه، که هر شیفتر را به ۴۰ ساعت در هفته ارتقاء دهد! باوجود این زیر قول خود زده و از بازکردن کارخانه خودداری میکند. رویدادهای مربوط به این اعتصاب که در آن حدود دو و نیم میلیون نفر شرکت داشتند بسیار بیشتر از این نمونه ها بوده است که من به یکی دو مورد آن اشاره کرده ام. اینها

صفحه ۳

اوضاع سیاسی ایران، اوپاما و جمهوری اسلامی ایران ثریا شهابی

صفحه ۵

افزایش روز افزون حاشیه نشینی شهرها، یک معضل اجتماعی سعید آرمان

صفحه ۷

پاپ دروغگو و کاندوم مقدس بهزاد جواهری

صفحه ۲

ساعات پخش تلویزیون پرتو ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ به وقت تهران تکرار برنامه ۲۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰ نیمه شب	نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست هر هفته جمعه ها منتشر می شود! پرتو را بخوانید و به دوستان خود معرفی کنید!
--	---

زنده باد سوسیالیسم



در حاشیه پیام اوپاما ...

اسلامی در سرکوب عربیان را از سران رژیم میگیرد و مردم منتظر از رژیم را در موقعیت مناسبتری در رودروئی شان با رژیم قرار میدهد.

اما اینها کل مسئله نیست، جمهوری اسلامی در مقابل مذاکره مستقیم با غرب و خصوصاً در صورت رسیدن به توافقاتی احتمالی، منافع زمینی را نیز برای خود کسب خواهد کرد. برسمیت شناختن دولت ایران به عنوان یکی از قدرتهای منطقه، ایجاد امکان دخالت دولت ایران در مسائل منطقه، برداشتن دامنه فشارهای سیاسی و بخصوص مالی بر دولت

ایران و امکان کمک به جمهوری اسلامی برای ورود به بازار جهانی و کمک به حل بحران مزمن اقتصادی آن نیز از جنبه های مهم دیگر و مثبت آن برای جمهوری اسلامی است.

اینکه جواب دقیق پیامهای اوپاما و ابراز تمایل برای حل اختلافات خود با دولت ایران، از جانب جمهوری اسلامی چه خواهد بود و نتیجه سبک سنگین کردنهای زیان و ضرر این اتفاق از نظر سران دولت ایران به کجا خواهد انجامید هنوز روشن نیست و باید در ادامه نگاه کرد و دید. اما تا همینجا اوپاما با پیام خود و سیاستهای تاکتونی که اعلام کرده است، چلنجی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده

است. جواب سریع مقام رهبری ایران به پیام اوپاما قبل از هرچیز تلاشی برای ممانعت از عکس العملهای مختلف مسئولین و شخصیتهای و جناحهای جمهوری اسلامی است.

تا جایی که به ما و مردم ایران برگردد، بی شک نتیجه این پروسه به هر جا ختم شود، تا همینجا رفع خطر جنگ بالای سر مردم ایران امری مهم و بسیار مثبت است.

اما حقیقت این است در پس پیامهای اوپاما به جمهوری اسلامی و جواب خامنه ای از جانب "مردم ایران"، نه دولت آمریکا و نه جمهوری اسلامی، هیچکدام حل معضلاتی که مردم با آن

دست و پنجه نرم میکنند را هدف خود قرار نداده اند. دولت ایران و آمریکا هم در جنگ و هم در آشتی خود، جز اعمال قدرت طبقات حاکم و جز فقر و محرومیت برای مردم ایران و آمریکا ارمغانی نیاورده اند. جمهوری اسلامی و اوپاما به هرچه برسند، تکلیف طبقه کارگر و مردم محروم و تغییری در زندگی فلاکتباری که دامنگیر ما شده است و پایان دادن به بربریت حاکم بر جامعه ایران در جایی دیگر تعیین تکلیف میشود. ما کارگران و مردم محروم هیچ راه اصولی که به بهبودی در زندگی خود منجر شود را جز تلاش متحد خود برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی زیر پرچم آزادی و برابری نداریم.

قوجمان، عبد جاسم، غضبان احمد و شنشل عبدالله مورد تجلیل قرار گرفتند.

در جریان کنفرانس جهانی کارگری اربیل پیام شادباش محمود صالحی فعال کارگری از ایران خوانده شد. همچنین سه تن از فعالین کارگری ایران رحیم سلطانی، نسرين و اسماعیل درباره وضعیت طبقه کارگر در ایران سخنرانی کردند که مورد توجه شرکت کنندگان و میدیای حاضر در کنفرانس قرار گرفت (گزارش مشروحتر در این باره در شماره ۱۷ اکثیر نشریه کمیته کردستان حزب حکمتیست منتشر شده است).

است، قاره ای که مذهب "جادوگری" هنوز مذهب رسمی چند کشور می باشد، قاره ای که رنسانس و مبارزه با مذهب را در خود ندیده است. افکار مرتجعانه پاپ در اروپا همیشه مورد تمسخر قرار گرفته است، اما در افریقا حرف وی می تواند تاثیر بیشتری داشته باشد.

بر اساس دکترین کلیسا مصرف کاندوم به بی بندوباری جنسی دامن می زند و با افزایش بی بندوباری جنسی ایدز گسترده تر می شود. کلیسا تنها شیوه موثر برای مقابله با ایدز را پایبندی به آموزه های کاتولیکی عفاف، وفاداری در ازدواج و نداشتن سکس قبل از ازدواج می داند. همچنین برای کلیسا جلوگیری از حاملگی با استفاده از کاندوم نیز عملی غیر قابل قبول است، برای این متحجرین اسپرم مقدس است و هرگونه عملی که باعث از بین رفتن آن شود دست درازی به خدا و کفر است!

فتوای کلیسای کاتولیک بر علیه کاندوم نه تنها توهینی به جامعه علمی

صفحه ۶

پاسخ طبقه کارگر به آن، قطعنامه درباره حمایت از یک دولت سکولار غیرقومی و غیردینی در عراق، قطعنامه علیه پیشنویس قانون نفت و گاز عراق، قطعنامه درباره ضرورت تدوین قانون کار در عراق، قطعنامه علیه سیاست خصوصی سازی دولت عراق و قطعنامه در حمایت از کارگران پاناسونیک ژاپن.

در روز دوم کنفرانس ورک شاپهای متعددی حول مسائل و گرگه‌های مبارزات کارگری در عراق برگزار شد و همچنین در یک مراسم پرشور، فعالین کارگری پیش کسوتی چون آرا خاچاتور دبیر سابق اتحادیه کارگران نفت عراق، سعاد خیری، حسقول

نماینده اتحادیه های کارگران جنگلها، معادن، انرژی و بندر استرالیا، کوندو تاکاسوما رئیس اتحادیه کارگران پاناسونیک ژاپن، کالنت روبرت دبیر اتحادیه حمل و نقل آفریقای جنوبی و رحیم سلطانی فعال کارگری از ایران ادامه یافت.

در کنفرانس جهانی کارگری اربیل چندین قطعنامه که توسط کمیته تدارک آماده و ارائه شده بود، به بحث و بررسی گذاشته شد و به تصویب رسید. ازجمله: قطعنامه درباره تشکیل یک جبهه جهانی کارگری علیه جنگها و محاصره اقتصادی و پامال کردن حق سازمانیابی کارگران، قطعنامه درباره بحران اقتصادی جهانی و

است. لازم به توضیح است که نبود زیر ساختهای پزشکی و کمبود داروهای موثر در کند کردن پیشروی این بیماری روند گسترش ایدز را سریعتر کرده است. جنگهای متمادی، فقر، قبیله گرایی و باورهای ارتجاعی همه دست به دست هم داده اند تا قاره افریقا را به مستعدترین مکان برای گسترش ایدز تبدیل کنند!

ویروس ایدز وی از راههای متعددی از فرد مبتلا به فردی سالم منتقل می گردد. شایعترین شیوه انتقال این ویروس رابطه جنسی با شخص مبتلا است. پس از برقراری رابطه جنسی ذرات ایدز وی از طریق تماس مایعات مترشحه فرد مبتلا به فرد سالم منتقل می شود. در نتیجه برای پیشگیری از انتقال ایدز وی، بهترین راه خودداری از برقراری رابطه جنسی با فرد مبتلا و با استفاده از کاندوم است. کاندوم از انتقال ذراتی با ابعاد ایدز وی جلوگیری می کند و اگر به درستی و به طور منظم استفاده شوند شیوه کاملاً موثری در کاهش خطر انتقال بیماری



کنفرانس جهانی کارگری

توسط نماینده حکومت منطقه کردستان افتتاح شد.

بنا به اطلاعیه پایانی کنفرانس، این کنفرانس با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان آزادی و برابری طبقه کارگر و سخنرانی افتتاحیه سمیر عادل دبیر کنگره آزادی عراق شروع شد. سپس با سخنرانی های حسن جمعه دبیر اتحادیه کارگران نفت، صبحی بدری دبیر اتحادیه عام شوراها و اتحادیه های کارگری، صبا قاسم از بخش زنان اتحادیه نفت، مایکل اسپنجر از سازمان کارگران آمریکا علیه جنگ، منصور رزاقی

پاپ دروغگو و کاندوم مقدس

بهزاد جواهری

"استفاده از کاندوم بحران ایدز در افریقا را وخیم تر می کند"، این نتیجه آخرین تحقیقات علمی درباره ویروس ایدز وی و مبارزه با بیماری ایدز نیست، عنوان مطلبی علمی در ژورنالی معتبر نیست، توصیه دانشمندی که سالهای متمادی درباره ایدز وی تحقیق کرده هم نیست، بلکه موعظه مذهبی ولی فقیه کاتولیکها در مبارزه با این بیماری است!

۶۷ درصد مبتلایان به ویروس ایدز جهان در افریقا زندگی می کنند. در این قاره، از سالهای دهه ی هشتاد میلادی به این سو، بیماری ایدز ۲۵ میلیون نفر را کشته است. هم اکنون این بیماری در اکثریت کشورهای آفریقایی به صورت اپیدمی در آمده

آزادی، برابری، حکومت کارگری

آیا شغلها را

مد نظر این نوشته نیست. آنچه که مد نظر این نوشته است به این مناسبت مطرح کردن مسائل دیگری در همین رابطه و در حول و حوش بحران اقتصادی فعلی است که همچنان ادامه دارد.

بحران اقتصادی اخیر سرمایه نتیجه فعلیت یافتن قانون گرانش نزولی نرخ سود است. قانون دوله ای که مارکس بروشنی توضیح میدهد که کاهش نرخ سود سرمایه همگام است با افزایش سودآوری سرمایه، ارزش اضافه، که اقتصاد سیاسی ظاهرا از پی بردن به علت آن درمانده است! سرمایه با هر دور از گسترش بارآوری کار و رشد تکنولوژی که لازمه گسترش تولید و تنوع کاپیتالیستی است کار کمتری را بخدمت میگیرد، لذا کاهش نرخ سود و در نتیجه بحران بعدی را برای خود میخرد. کاهش نرخ سود در عین حال لازمه دور دیگری از انباشت سرمایه است، تناقضی که سرمایه داری را هر بار در بحران عمیق تری فرو می برد.

این فعل و انفعال در پروسه تولید، واضح است نه صرفا میان اشیاء، پول و ابزار تولید، که در آن پای عرق و خون کارگر در میان است، که با آن هر بار بحث بر سر کردن گوشت و پوست طبقه کارگر توسط سرمایه است. با هر دور از تعمیق بحران سرمایه، نسلی از کارگران و دیگر مردم زحمتکش به سمت فقر و فلاکت بیشتری سوق داده میشوند. سرمایه نه تنها در دوره رونق خود که در دوره بحران نیز بیش از هر زمانی ضديت خود را با رفاه و آسایش و با نفس انسانیت انسان به نمایش میگذارد. دور دیگری از انباشت سرمایه تنها به قیمت تشدید استثمار طبقه کارگر و دیگر مردم فاقد مالکیت، با تحمیل کاهش دستمزدها به این طبقه و با اخراج و بیکارسازیهای وسیع کارگران و همگام با آن به اصطلاح با پالایش سرمایه یعنی بلعیدن سرمایه های کوچکتر توسط سرمایه های بزرگتر، صورت میگیرد.

ظاهرا دوره رونق سرمایه است از بیمه بیکاری کارگر و دیگر مزایای کاری او میزنند. وسایل تولید را که قرار است نیازهای انسانهای یک جامعه را تامین کنند عاطل و باطل نگاهداشته اند، کارگر را از راه اندازی آن مانع میشوند. قتی هم کارگر می پرسد چرا بیمه بیکاریش را اضافه نمیکند؟ چرا دستمزدش را

اضافه نمیکند؟ چرا از روزهای بیماری و بیمه بهداشتی اش زده اند؟ خوب میدهند که پول نیست! اما وقتی که سرمایه به بحران می افتد و سرمایه داران دست "کمک" به سوی دولت شان دراز میکنند، ناگهان و در کمال "ناباوری" یک یا چند تریلون دلار در یک روز آنهم از درآمد همین مردم به کیسه کسانی که کارگر را از هستی ساقط کرده اند، میریزند. زیان سه ماهه یکی از بانکهای بریتانیا که حدود ۶۰ میلیارد دلار بود و آن را از مالیات مردم در بریتانیا تامین کردند با این پول به قول یکی از مفسران همین نظام میشد ۱۵۰ هزار خانه

انجام داد. با بخش کوچکی از این درآمد تامین بیمه بیکاری مکفی برای هر فرد آماه به کار در سراسر ایران، فردی که دولت موظف است خرج زندگی او و خانواده اش را تا یافتن کار تامین کند، فقط کار یک روز است. از این که خبری نیست هیچ، در همین مدت و با همین درآمد عظیم از دادن حقوق معوقه هزاران کارگری که خود و فرزندانشان در دامن بی رحم فقر و فلاکت موجود قرار دارند خودداری کرده و هنوز هم خودداری میکنند. به دستمزد طبقه کارگر در ایران که خط فقر را خودشان میگویند در سطح ۸۰۰ هزار



تومان در ماه است نه تنها چیزی نه افزوده اند که آن را کاهش هم داده اند. جمعیت دهها هزار نفری معلمان ایران را زیر خط فقر نگاهداشته اند و با هر اعتراضی که به این وضعیت میکنند آنان را به زندان میاندازند. پرستاران را به بهانه های واهی اخراج و بیکار میکنند. وضعیت بسیار پریشان بیمارستانها، بهداشت و درمان مردم و همچنین میزان فقر و آوارگی مردمی که با فقر و اعتیاد و تن فروشی دست به گریبانند قابل توصیف نیست. جوابگویی به این نیازهای ابتدائی میلیونها انسان در جامعه ایران در این درآمد هنگفت حکومت الهی سرمایه منظور نمیشود. برای اینها ظاهرا پولی باقی نمی ماند! میگویند اول باید خرج دستگاه سرکوب شان از قبیل ارتش و سپاه پاسداران و بسیج و نیروهای انتظامی و نیروهای ضد شورش و لباس شخصی ها و صدها شکنجه گر و گله چماق بدستان حزب الله را بدهند، میگویند بعد باید جیب گشاد خیل اوباش اسلامی از "ولی فقیه" گرفته تا دیگر آیت الله ها و امام جمعه ها تا طلبه های خرد و ریز را پرکنند، بعد باید خرج حوزه های علمیه و صدها بنگاه تحمیق و جهل و خرافه اسلامی و غیره را در داخل و خارج

مناسب خرید و با آن حدو ۴ تا ۵ میلیون انسان را در بریتانیا صاحب مسکن مجانی کرد، یا مقدار بیمه کاری و درمانی و بهداشتی انسانهای این جامعه را چندین برابر کرد. با ۱ تریلون دلار واضح است که میشود رفاه در سطح بسیار وسیعی را برای میلیونها انسان این یا آن جامعه تامین کرد که برآورد آن خود به نوشته جداگانه ای احتیاج دارد. برای حل فوری مساله گرسنگی ۱ میلیارد انسان، مسئولین مربوطه گفتند که به ۲۰ میلیارد دلار یا کمی بیشتر احتیاج دارند. ۲۰ میلیارد دلار در مقایسه با ۱ تریلون دلار که در مقابل چشمان ناباور ۱ میلیارد انسان گرسنه به جیب صاحبان حریص سرمایه میریزند! به تنهایی حکم نابودی این نظام گندیده و دول مربوطه را صادر کرده است!

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی برای مثال، در همین سه سال گذشته، جمهوری اسلامی به اعتراف سران این رژیم تنها از فروش نفت بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار درآمد داشته است. این که دوره رونق است دیگر. میتوان حدس زد که با این درآمد عظیم چه اقدامات رفاهی وسیعی در سطح جامعه برای انسانهای جامعه ایران میشد و میتوان

ایران به پردازند اگر از آن چیزی ماند، که نمی ماند و همه آن را لغت و لیس میکنند، به طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش در ایران هم چیزی میرسد. این از دوره رونق حکومت اسلامی سرمایه، حالا که بحران شروع شده است میخواهند گوشت و پوست کارگر و مرم زحمتکش این جامعه را هم بکنند.

این واقعیت سرمایه داری است، هم در کشورهای پیشرفته و هم در حکومت الهی سرمایه. کارگر هرچه سرمایه را فربه تر کند آن را متمرکز تر به جان خود میاندازد، هر وقت هم سرمایه دچار بحران میشود یک راست میرود سراغ کندن گوشت و پوست طبقه کارگر. آیا در این شرایط و در دل بحران فعلی میشود شغل ها را حفظ کرد؟ میتوان دستمزدها را اضافه کرد؟ تا چه مدت؟ چند بار؟ تا کی؟ تا سرمایه هست، این، وضعیت بخش عمده طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش است. کسی که در این شرایط بدون زیر سوال بردن حاکمیت سرمایه توسط طبقه کارگر این وعده را به کارگر میدهد از قبل تصمیم گرفته است که سر کارگر کلاه بگذارد. کارگران در فرانسه حاضر شده اند که به جای ۳۶ ساعت و نیم، ۴۰ ساعت در هفته کار کنند تا شغلهای خود را "حفظ" کنند. کارفرما از باز کردن کارخانه اش خودداری میکند. برای کمونیستها در هر حالت مبارزه اقتصادی طبقه کارگر از مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی جدا نیست. برای ما مبارزه برای رفم بخشی از مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی است. طبقه کارگر بویژه در شرایط بحران اقتصادی سرمایه که کثافات این لجنزار بیشتر از هر زمانی رو میشوند، باید بین این دو پیوند ملموس تری را برقرار کند. طبقه کارگر در شرایط بحران سرمایه وقتی میتواند مطالبات اقتصادی خود را متحقق کند که حاکمیت سیاسی سرمایه داری را زیر سوال ببرد و گر نه در مبارزه اقتصادی شکست میخورد. طبقه کارگر بویژه در مواقع بحران باید روی تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری و ضديتش با منافع طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم جامعه انگشت بگذارد. باید کل این نظام گندیده را زیر سوال ببرد. باید جامعه را علیه نظام ضد انسانی ای که حتی صاحبان آن نیز قادر به دفاع از آن نیستند، بسیج کند. این گزینه ایست که بحران سرمایه جلو طبقه کارگر و پیشروان این طبقه میگذارد. راه میانه ای وجود ندارد. یا علیه حاکمیت سیاسی سرمایه و مالکیت خصوصی،

زنده باد آزادیخواهی و برابری طلبی

امید یک دو وعده ناچیز دولت بورژوازی حاکم روانه خانه میکنند. جای این کمونیسم خالی است. کمونیسمی که نقطه رجوعش جامعه و طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش است نه موج سواری "یک گانه" روی صفحه تلویزیون و یا در دنیای مجازی سایتها. کمونیسمی که از فرصت ها و از تحولات سیاسی، از بحرانهای اقتصادی سرمایه و از نقاط ضعف بورژوازی در هر جا که ممکن است به نفع قدرتمند کردن خود در دنیای واقعی و به نفع پیشبرد انقلاب سوسیالیستی استفاده کند. ایران یکی از آن معدود کشورهایی است که کمونیسم طبقه کارگر میتواند و باید در آن رشد کند و قدرت شود، میتواند و باید قدرت سیاسی را هدف قرار دهد، جمهوری اسلامی، دولت بورژوازی، حاکم را بزیر کشد و حاکمیت بورژوازی و مالکیت خصوصی را به مصاف به طلبد. بحران اخیر سرمایه به نوبه خود، علیرغم هر فشاری که بورژوازی در نقاط مختلف جهان با بیکارسازی ها و در نتیجه تحمیل فقر بیشتری به طبقه ما وارد میکند، همزمان به کمونیسم نیز امکان نقد و پیشروی و جلو آمدن در صحنه را میدهد. این بحران چهره ضد انسانی سرمایه داری و دول مربوطه اش را بیشتر و بهتر از هر زمانی به طبقه کارگر و افکار عمومی جهان نشان میدهد. این وضعیت، هم اکنون ما را در مصاف بزرگی قرار داده است. باید به پیشواز این مصاف رفت. تغییر در این وضعیت بیش از هر زمانی به اراده و پراتیک آگاهانه کمونیستهای طبقه کارگر، به ما حزب حکمتیست و کسانی مثل ما گره خورده است. اگر بخواهیم بشود باید اراده کنیم.

ساعات پخش
تلویزیون پرتو
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰
به وقت تهران

تکرار برنامه ۲:۳۰
تا ۳:۳۰ نیمه شب

ماهواره هات برد،
کانال ۶

کارگر، کارگر را با جمع کردن طومار برای افزایش دستمزدها دنبال نخود سیاه می فرستند.

در تقابل با دستگاه عظیم تبلیغ و دروغ پراکنی میدیای دول سرمایه داری که هر روز و هر ساعت و هر دقیقه دروغ را به خورد طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش در سراسر جهان میدهند، در تقابل با انبوهی از دیگر تبلیغات بازدارنده حتی در صفوف خود طبقه کارگر که این وضعیت را برای سرمایه داران و دولتهاشان توجیه میکنند و با سر کارگر را به نام دفاع از کارگر به امید روزهای "بهتری" در این نظام شیره می مالند، در تقابل با چپ ضد رژیمی ای که کارگر را صرفا در قامت نیروی ذخیره یک جنبش ضد رژیمی می بیند، خلاء بزرگی که مشاهده میشود حجم ناچیز نقد و جدل کمونیستی و مارکسیستی به این نظام و به این تبلیغات بورژوازی و به کلیه نیروهای عملا مدافع آن است. بدون این کار، ایراد چندانی به رهبران و فعالین کارگری کمونیست و رادیکال در میان کارگران نمیتوان گرفت. این واقعیت باید هر کمونیست مارکسیستی را بشدت تکان دهد. این سوال که منتهاست دوره دوره انقلاب کارگری است و طبقه کارگر حتی با وجود آمادگی به اصطلاح شرایط عینی از تشکیل توده ای کارگری گرفته تا حزب و سازمان کمونیستی این طبقه، پس چرا انقلاب کارگری صورت نگرفته و یا صورت نمیگیرد؟ جوابش را قبل از اینکه از کمبود در عرصه به اصطلاح تبلیغ و ترویج و سازماندهی، باید از عدم آمادگی ذهنی طبقه کارگر لاقال در سطح پیشروان این طبقه و از عدم حضور نقد و جدل دائمی کمونیسم کارگری در این رابطه بگیرد. در مقابل شبکه تبلیغی وسیع بورژوازی که به تحکیم نظام بورژوازی بر گرده طبقه کارگر و دیگر مردم محروم جهان شب و روز مشغول است، عدم حضور موثر کمونیسم کارگری در جدالهای مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، که مدام مارکسیسم، کمونیسم را در این تقابل میان کارگران ببرد و ذهنیت ضد سرمایه داری طبقه کارگر را در میان رهبران و فعالین کارگری رشد و گسترش دهد، طرف بورژوا همچنان برنده خواهد بود. با به میدان آمدن و در میدان بودن جمعیت دو میلیونی کارگری که چرخ تولید را خوابانده است میتوان و میشود مقتدرترین لرزه انداخت. اما در شرایط عدم رهبری کمونیستی بر آن آنان را به

بخواهید میاورند. کل میدیای دروغ پرداز و صف دولتها و مفسران و سخنگویان این نظام همه و همه برای این کار بسیج شده و بسیج میشوند. میگویند بحران جهانی است و همه کشورها را شامل شده است. ظاهرا در این میان کسی مقصر نیست! اما این تنها طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش اند که باید جور آن را بکشند! میگویند بحران فعلی ناشی از "سوء مدیریت" صاحبان بانکهاست، در اینصورت معلوم نیست چرا میلیاردها دلار از درآمد مردم را به جیب آنان میریزند اما از افزایش بیمه بیکاری و افزایش دستمزد کارگران در این شرایط خودداری میکنند؟ به شرطی حاضرند که کارخانجات ورشکسته را کمک کنند که رسما میزان دستمزد کارگران و دیگر مزایای آنان را کاهش دهند! اما در برابر چشمان هزاران کارگر بیکار شده میلیونها دلار را همین روزها بعنوان انعام و پاداش به کارمندان بالای این بانکها میدهند. نباید پرسید "ترکیدن حباب" پول و بحران ناشی از "سوء مدیریت" صاحبان بانکها چه ربطی به کاهش دستمزد کارگران و تشدید استثمار طبقه کارگر دارد؟ ظاهرا "سوء مدیریت" صاحبان بانکها مطابق آمار آی. ال. او، سازمان جهانی کار، به اخراج و بیکارسازی ۵۰ میلیون کارگر منجر شده است، دمکراسی پارلمانی، اعتراضی به این کار ندارد که هیچ، این طبقه کارگر است که توسط همین دمکراسی باید مجازات شود و بیکاری و فقر و فلاکت را به جان او بیاندازند؟ در کشوری مانند ایران، حکومت الهی سرمایه دیوار کارخانه را سر کارگری که حقوق معوقه خود را که یک سال و بعضا بیشتر است دریافت نکرده است، خراب میکند تا صدای اعتراض او را خفه کند.

تنها اینها نیستند، طرفداران بورژوازی صنعتی نیز تقصیر این بحران را به گردن عدم سرمایه گذاری در بخش تولید می اندازند. میگویند اگر در تولید سرمایه گذاری میکردند این وضعیت پیش نمی آمد! می بینند که کارگر حاضر است به جای ۳۶ ساعت و نیم، ۴۰ ساعت در هفته نیز کار کند باوجود این صاحب رشته تولیدی از بازکردن کارخانه خود خودداری میکند. میدانند که سرمایه دار فقط به خاطر سود است که تولید میکند، سرمایه دار "عاشق و دلسوخته" تولید که نیست، با این حال تحت این نام کار تحمیل خود را به نفع سرمایه در میان طبقه کارگر به پیش می برند. در ایران به نام دفاع از

یا شکست در عرصه مطالبات اقتصادی. واضح است این کار کار اتحادیه های کارگری نیست. اتحادیه های کارگری در کشورهای اروپایی برای مثال، حتی جوابی برای بیکاری و اخراج کارگران ندارند. بهبود جزئی شرایط بیمه بیکاری، دادن یک بار کمک ۵۰۰ یورویی به حقوق بگیران و کاهش مالیات ناچیزی برای افراد کم درآمد، همه آن چیزی بوده است که دولت فرانسه در توافق با اتحادیه ها قول آن را داده است. آنهم در شرایطی که بیش از ۱ میلیون و نیم نفر در ۲۹ ژانویه به خیابان میایند. اتحادیه ها در این کشورها کارگران را به امید پایان یافتن "خشکسالی" سرمایه در پیشگاه سرمایه قربانی میکنند. یکی از اتحادیه های کارگری در کشور سوئد رسما برای "حفظ" شغلها، کارگران را به قبول کاهش دستمزدها و دیگر مزایای کاری واداشته است.

طبقه کارگر برای پایان دادن به بردگی مزدی راهی جز به زیر کشیدن حاکمیت سرمایه و نابودی شرایط بردگی مزدی ندارد. این را خود سرمایه دهها بار به طبقه کارگر نشان داده است. اما چرا این اتفاق نمی افتد؟ این کار وقتی ممکن است که طبقه کارگر لاقال بخش تعیین کننده ای از کارگران پیشرو این طبقه از نظر ذهنی آمادگی این کار را پیدا کرده باشند، که بخشی از رهبران و فعالین کارگری به معنای دقیق کلمه مارکسیست شده باشند، که راهی طبقه کارگر و جامعه را بالفعل تنها در نابودی سرمایه داری جستجو کنند، که بدانند باید حاکمیت سرمایه و مالکیت خصوصی را هدف قرار دهند و بالاخره در هر سطحی که ممکن است بتوانند تحزب کمونیستی پیداکند. بدون تبدیل شدن اینها به ذهنیت بخشی از رهبران و فعالین کارگری و تبدیل کردن آن به ذهنیت دیگر کارگران، وضعیت موجود با هر افت و خیزی همچنان ادامه خواهد یافت. بخش عمده کارگرانی که سرمایه داران و دولتهاشان در این دوره از مراکز کار خارج میکنند دیگر به کار سابق خود باز نمیگردند. بیشتر آنها یا تغییر شغل داده و یا روزگار را با کمک ناچیزی به نام بیمه بیکاری آنهم اگر در کشورهایی آن را به کارگر روا دارند، میگذارند. شرکت نفتی فرانسوی توتال اعلام کرده است که در سه ماه گذشته ۳ میلیارد دلار سود برده است با این حال بخش زیادی از کارگران خود را اخراج و بیکار کرده است. دلایل(بهبانه) برای این کار هم تا

اوضاع سیاسی ایران اوباما و جمهوری اسلامی ایران



ثریا شهابی

پیام نوروزی اوباما خطاب به جمهوری اسلامی، با درز گرفتن حواشی و تعارفات دیپلماتیکی چون سهم فرهنگ و تاریخ ایران در شکل دادن به تمدن جهان، یک دعوت مستقیم به رژیم ایران برای پشت سر گذاشتن یک دوره تخاصم با آمریکا و غرب و شروع سازش با "شیطان بزرگ" است، برای به سرانجام رساندن کاری که جمهوری اسلامی ایران از همان بدو تولد برای آن شکل گرف، برای به سرانجام رساندن آن به قدرت رسید، و طی سی سال گذشته موفق نشد آن را به سرانجام برساند.

بازگرداندن ایران، بعنوان یک کشور سرمایه داری به حوزه تولید و بازتولید فوق سود امپریالیستی در حوزه نفوذ غرب، و باز گرداندن شرایط امن برای سودآوری سرمایه، همان هدفی بود که بورژوازی غرب سی سال پیش به خاطر آن زیربغل ارتجاع اسلامی را گرفت، از آن علیه انقلاب آزادخواهانه مردم ایران و برای جلوگیری از خطر کمونیسم، حمایت کرد.

پیام اوباما به مناسبت نوروز، دعوت مستقیمی از رژیم ایران است برای پیوستن به کمپ بورژوازی جهانی، برای فراهم کردن دور دیگری از شرایط امن تولید و بازتولید سرمایه دارانه در سراسر جهان است. مهم نیست که اوباما با کدام کلام و بیان و مقدمه و موخره ای پیام هئیت حاکمه آمریکا را به رهبران رژیم ایران رساند، همه و از جمله شخص خامنه ای ندای این دعوت را به همین به صراحت شنید.

"دوستی با آمریکا" و عضویت ایران در "جامعه جهانی"، مستلزم تغییری ماهوی در شکل حکومتی در ایران است. این تغییری نیست که بتواند برای جمهوری اسلامی ایران با دوابل ولایت و جمهوریت و هویت "ضدآمریکایی"، به سادگی صورت بگیرد. برای پیوستن به "جامعه جهانی"، رژیم ایران به یک تغییر ریل بنیادین در شکل حکومتی نیازمند است. برای این تغییر ریل فاکتورهای دیگری، خارج از ارده دو

کند. لازمه این شرایط ایجاد ثبات سیاسی و تغییر روبنای حکومتی منطبق با مقتضیات امنیت سرمایه بود. سرمایه ای که نگرانی قوای ولی فقیه برای چپ و راست شدن اقتصاد و سیاست در ایران را، یدک نکشد. بعد از سی سال و یک جنگ هشت ساله و دونسل سرکوب و جنایت، این اتفاق نیفتاد.

اتفاقات پس از جنگ سرد، رها شدن افسار ارتجاع اسلامی و سهم خواهی تروریسم اسلامی در جهان بی نظم سرمایه، جامعه ملتبه و انقلاب زده ایران که علیرغم سی سال جنایات رژیم تسلیم حاکمیت جمهوری اسلامی نشد، و همچنین شکست پروژه های آمریکا برای "رژیم چینج" به ضرب و زور کودتا و تهدید جنگ، سناریوهای بورژوازی جهانی و دولت ایران برای تطبیق روبنای حکومتی با مقتضیات شرایط امن سودآوری سرمایه، را عقیم گذاشت.

دعوت بورژوازی غرب به رهبری آمریکا از جمهوری اسلامی برای پیوستن به "جامعه جهانی" چنین پیشینه ای دارد. این هم برای اوباما بعنوان رئیس جمهور دوره "تغییر آمریکا" و هم برای جمهوری اسلامی، بیانگر شیفت مهمی در شکل حکومتی هر دو دولت است. موفقیتیت و عدم موفقیت اوباما در "رام کردن" ایران، شاخص مهمی است برای موفقیت و عدم موفقیت اش در متحد کردن کل بورژوازی آمریکا و غرب پشت سر تغییر ریل در سیاست های آمریکا.

اما تا آنجا که به ایران مربوط میشود، این تغییر شیف به سهولت صورت نمی گیرد. ضدآمریکایی گری و جنگ با "شیطان بزرگ" یک پایه هویتی و ایدئولوژیک رژیم ایران از روز اول بوده است. بعنوان مقدمه مذاکرات با آمریکا و در مورد اطلاق "لانه جاسوسی" به سفارت آمریکا، گفته میشود که "واشننگتن باید خیلی روشن به تهران نشان دهد که ایالات متحده واقعا علاقه مند به بکارگیری یک لحن و بستر تازه برای روابط است."

"مرگ بر آمریکا" و مرگ بر "شیطان بزرگ"، یکی از مهمترین سلاحهای ایدئولوژیک رژیم برای سوار شدن بر موج عظیم اعتماد مردم در انقلاب ۵۷ و برای سرکوب هرصدای اعتراضی پس از آن بوده است. قبول آتش بس در جنگ عراق پس از هشت سال عربده کشی های "جنگ جنگ تا پیروزی"، "راه قدس

از کربلا میگذرد"، و فرستادن سیلی از نو جوانان بی گناه روی میادین مین، موجب نوشیدن جام زهری توسط خمینی شد. برای فراهم کردن شرایط نوشاندن این جام زهر به خمینی، یعنی خفه کردن صدای اعتراض مردم، موج حمله ای وحشیانه و قتل عام زندانیان سیاسی و سرکوب، براه افتاد. اگر آن چرخش را با براه انداختن حمام خون توانستند از سر بگذرانند، چرخش از ضدآمریکایی گری به دوستی با آمریکا، صدها بار دشوار تر از آتش بس در جنگ عراق است و جام زهری که خامنه ای باید به این مناسب بنوشد به مراتب زهرآگین تر از جام زهر خمینی است. به این دلیل که هم ماهیت تغییر ریل فرق میکند، هم شرایط در قدرت بودن خمینی با شرایط خامنه ای متفاوت، و هم موقعیت ارتجاع اسلامی به مراتب وخیم تر از روزهای به قدرت رسیدنش در ایران است. خمینی سوار بر اعتماد بخشی از جامعه، و در شرایطی که مردم هنوز هالوکاست های سر کوب انقلاب را پشت سرنگذاشته بودند و مرعوب قداره کشی و ماشین عظیم جنایات جمهوری اسلامی بودند، توانست به سلامت آن جام زهر را به قیمت سرکوبی عظیم از مردم، سر بکشد. امروز خامنه ای هم باید بتواند سرکوب کند، که نمی تواند، هم صفوف ارتجاع اسلامی را متحد نگاه دارد، که از این هم ناتوان است، و هم بر اقتصادی سرتاپا ورشکسته تحت تاثیر بحران جهانی و افت قیمت نفت، تکیه زده است.

بحران اقتصاد جهانی، بحران اقتصاد ایران

بهباد نبودی در یک اظهار نظر کوتاه، جوهر مشکلات اقتصادی رژیم را اینطور بیان میکند. او میگوید، "یک شبه نمی شود این معده ای را که به نفت ۱۵۰ دلاری عادت کرده است با نفت ۳۰ دلاری تغذیه کرد." و منظور نبوی از معده سیری ناپذیر، البته معده خودشان، دم و دستگاه حکومتی و بساطت لفت و لیس دولت و خرج سپاه و بسیج و .. است. مردم در زمان قمیت نفت بشکه ای ۵ برابر بیشتر از امروز هم، جز فقر، اعتیاد، فحشا، گرانی، بیکاری و چند شیف کارکردن و سرکوب و اختناق، نصیبی نداشته اند.

اقتصاد ایران، پیش از این بحران جهانی، اقتصادی سرمایه داری، بحران زده متکی به معاملات در "بازارهای سیاه" بین المللی، بود. ا

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

خودشان جز تباهی و خانه خرابی نداشته است. جنگ ایران و عراق، سرنوشت امروز عراق، کمک به دولت ایران برای سرکوب اپوزیسیون، حمایت پارلمان های اروپایی از ایران، برای پررونق کردن بازار معاملات تجاری شان و "امن" اعلام کردن آن روزهایی که جوخه های مرگ جمهوری اسلامی اعضا اپوزیسیون را در خارج ترور میکرد و در داخل نفس در سینه مخالف را درجا میکشد، را همه دیده اند. مردم دشمنانشان را به خوبی میشناسند.

چشم امید دوختن و در انتظار انتخابات یا سرنوشت مذاکرات ایران و آمریکا نباید ماند. باید از این فرصت استفاده کردن و مستقلا به میدان آمد. نباید اجازه داد که این دوره بازی دیپلماتیک برای رژیم وقت بیشتر بخرد و به بهانه آن مردم را ساکت و در انتظار نگاه داشت. طبقه کارگر و مردم ایران جز به نیروی خودشان آزاد نخواهند شد.

هیچ حمله به معیشت و سفره بی رونق طبقه کارگر، هیچ حمله به نافرمانی دختران و پسران جوان علیه احکام اسلام، هیچ تعرضی به دانشگاه و دانشجو را نباید تحمل کرد.

باید در دفاع از اعتراضات، در دفاع از دانشگاهها بعنوان سنگر دفاع از آزادی عقیده و بیان و سنگر حمله به اختناق، در دفاع از معیشت طبقه کارگر به میدان آمد. رژیم هیچگاه به اندازه امروز ضعیف، ضربه پذیر و صوفش درهم نبوده است. باید تلاش برای بازگرداندن ایران به جامعه جهانی را، خلاء "شیطان بزرگ" را با تلاش برای بازسازی ایران برای تولید و باز تولید طبق نیازهای انسانی اکثریت مردم، برای سرنوشتی رژیم و جایگزینی آن با سوسیالیسم، به میدان آمد. این کار شدنی است اگر مردم و طبقه کارگر در انتظار نمانند و گرد آلتزناتو سوسیالیستی - کمونیستی خود، حزب به قدرت رساندن طبقه کارگر، گرد آیند.

بزرگ دیگری بیافزیند و بعلاوه دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد. تغییر ضربتی سیاست بورژوازی جهانی به رهبری آمریکا، بلا تکلیفی عمیقی را به خامنه ای این تنها شخصیت اصلی رژیم که امروز در صحنه "تنها" در مخمصه مشکلات نجومی و عدیده رژیم و در بن بست کامل است، تحمیل کرده است. سیاست ضربتی دولت اوباما برای "حل مناقشه" با ایران، مستقل از زمینه های دهنی و مادی عدم تحقق آن، تیری بر دو پایه ایدئولوژیک دو جنبش دست راستی در ایران و آمریکا، است. این نه "جشن پیروزی ایران بر آمریکا"، نه "بیرون رفتن دیو و برآمدن فرشته" که شروع دور دیگری از تقابل این بار دیپلماتیک غرب و ایران است، که تماما در مقابل منافع مردم ایران و در مقابل منفعت طبقه کارگر قرار دارد.

مردم اما انتخابشان را کرده اند

چراغ سبز اوباما برای بازگشت ایران با جمهوری اسلامی به "جامعه بین المللی" فی الحال در دل بخشی از اپوزیسیون طرفدار رژیم، صف توده ای - اکثریتی، نور امید دیگری تابانده است. تا بار دیگر مردم را به دعوت در انتظار برکات مذاکرات غرب با ایران بکشانند و مبارزات مردم را پشت جبهه این دور از دیپلماسی فی مابین دولتهای ایران و آمریکا کنند.

اما طبقه کارگر، کارکنان، زنان، جوانان و همه اکثریت مردمی که نه از سفره پررونق نفت بشکه ای ۱۴۷ دلار جز فقر و نداری و فحشا و اعتیاد و کار کودکان نصیب شان شد، کسانی که در اوج ثروتمندی دولت، جز حمله به دانشگاهها و اعدام و سنگسار و وحشی گری رژیم نصیب شان نشد، شریک مشکلات انتخاباتی و راه حل های اقتصادی رژیم، نیستند.

دعوت از جمهوری اسلامی برای شرکت در بازسازی تولید و بازتولید سرمایه، برای مردم ایران قهر و آشتی بورژوازی جهانی با جمهوری اسلامی به حکم تجربه سی ساله

هزار تومان در ماه بود و خط فقر ۵۰۰ هزار تومان. و امسال این وضعیت به مراتب وخیم تر میشود.

موضوع دعوت از رژیم حاکم بر ایران برای بازگشت به "جامعه جهانی"، آمادگی غرب برای نشان دادن جمهوری اسلامی بر صندلی "رسمی" حاکمیت بورژوازی در ایران، در شرایطی صورت میگیرد که صفوف هئیت حاکمه ایران تماما درهم ریخته است. شخصیت های ناجی نظامشان تماما سوخته اند. خامنه ای بعنوان آخرین کارت بازی حکومت در صحنه ایزوله و پایه های ولایت فقیه اش علاوه بر مردم توسط خود دار و دسته های حاکم، هر روز از طرفی به لرزه در میاید. دوجناح، دو بال رژیم، اصلاح طلبان و اصولگرایان خود چند پارچه و مراکز قدرت و شخصیت های مدعی قدرت و دخالت برای حل بحران حکومتی شان، هر روز از جایی سربر میآورد.

در این شرایط و بر متن ورشکستگی اقتصادی دولت و ناتوانی اش از سیر کردن شکم سیری ناپذیر سیستم حکومتی اش، و در شرایطی که جامعه آبستن انفجارات اعتراضی علیه فقر و جنایات حکومت است، خامنه ای نمی تواند به سادگی جام زهر پیشنهادی اوبا ما را سربکشد.

چه بگویند؟ به چه اقدامی دست بزنند که هم صف حکومتی شان را متحد نگاه داند، هم به مردم فرصت تعرض به همه بنیادهایشان ندهد، و هم انتخابات رئیس جمهوری شان را به "سلامت" از سربگذرانند.

انتخابات در راه است، با صف در هم ریخته اصلاحات و راست از هر دو طرف، وضع اقتصادی و نزول درآمد دولت، و خطر انفجار جامعه زیر فشار تورم و گرانی و فقر، جمهوری اسلامی را در موقعیت حساس و سرنوشت سازی قرار داده است. حفظ انسجام داخلی که یک رکن آن "دشمنی با آمریکا" است، را نمی توان به سادگی تسلیم کرد. و جمهوری اسلامی به سادگی نمی تواند "شیطان

→ اقتصادی ایران، اساسا تحت مالکیت دولتی، بورژوازی، متکی به دخالت تام و تمام دولت، با روبنایی متناقض با روبنای متعارف سرمایه است. اقتصاد سرمایه بازار سیاهی، که اساسا نه در شرایط امن و متعارف تولید و بازتولید سرمایه در مدار سرمایه جهانی، که در شکافها و بحران های سیاسی - اقتصادی جهان، زنده و ارتزاق میکند. به بحران دائمی اقتصاد ایران، بحران جهانی و کاهش عظیم بهای نفت، اضافه شده است. به داده های امروز اقتصاد ایران از زبان کارشناسان خودشان نگاه کنید: بازتاب جهانی بحران اقتصادی موجود و افت عظیم بهای نفت خام از بشکه ای ۱۴۷ دلار به ۴۵ دلار و پیش بینی افت بیشتر آن سیستم حکومتی رژیم ایران را در معرض ورشکستگی کامل کشانده است. درآمد دولت بعنوان اصلی ترین سرمایه دار در ایران که ۷۰ درصد سرمایه جامعه و ۸۰ درصد اقتصاد ایران را در اختیار دارد، ظرف چند ماه گذشته به یک سوم تنزل پیدا کرده است. به انعکاس بحران اقتصادی در زندگی مردم نگاه کنید:

یک کارشناس آموزش و پرورش می گوید: " قیمت دو کیلو برنج به عنوان غذای اصلی ایرانی ها چیزی حدود ده دلار است در حالی که حقوق ماهانه من سیصد و پنجاه دلار است". کارمند میان سال شرکت برق تهران می گوید: "من با ۲۱ سال سابقه کار ماهانه ۶۸ هزار تومان (معادل هفتاد و دو دلار) به عنوان حق مسکن دریافت می کنم اما اجاره خانه ای که می پردازم سیصد و بیست هزار تومان (معادل ۳۵۵ دلار) است. برای هماهنگ کردن دخل و خرج زندگی من سال هاست برای یک شرکت خصوصی هم کار می کنم. و رییس سابق اتاق بازرگانی و صنایع ایران میگوید، "قدرت خرید مردم ایران سالانه پنجاه درصد در حال کاهش است".

و دولت به بهانه مهار تورم افزایش حقوق کارگران را از درصد به ۲۰ درصد کاهش داده است. در حالی که سال ۸۷ و براساس گزارش های رسمی، حقوق کارگر کمتر از ۲۲۰

پاپ دروغگو....

و پزشکی است، بلکه شرکت مستقیم کلیسا در زندگی فلاکت بار و مرگ میلیون ها انسان است. این کاندوم نیست که سمبل فعالیت های "شیطانی" است، این کلیسا، پاپ و خدایش هستند

پرتو

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست هر هفته جمعه ها منتشر می شود!

پرتو را بخوانید و به دوستان خود معرفی کنید!

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است

افزایش روز افزون حاشیه نشینی شهرها، یک معضل اجتماعی

سعید آرمان



دسترسی به مدارس و عدم توانایی مالی از تحصیل محروم شده و یا درصد ناچیزی از آنان تا مرحله ابتدایی و یا راهنمایی و دبیرستان بشوند. به گوشه‌ای از آمار خانم "مسروئه وامقی"، آسیب شناس اجتماعی توجه کنید. بررسی‌های وی نشان می‌دهد که ۷۰٪ درصد کودکان در مناطق حاشیه نشین بیسواد بوده، ۵/۳۵ درصد تا مقطع ابتدایی و ۸/۲۷ درصد تا مقطع راهنمایی تحصیل کرده اند و در مجموع تنها ۶ درصد آنان به مقطع دبیرستان یا بالاتر راه پیدا کرده‌اند. به این ترتیب اشتغال به کار عامل بازدارنده‌ای در ادامه تحصیل و آموزش‌های مدرسه‌ای در کودکان شاغل این مناطق به شمار می‌رود.

در این مناطق بدلیل فقر شدید و بعضا مطلق و عدم دستیابی به کار و شغل مناسب، میزان بزهکاری اجتماعی در میان این رانده شدگان و محکومین به فقر و تباهی به سرعت رو به ازدیاد است. اعتیاد، فحشا، فروش کلیه و سایر مصایب دیگر نظام سرمایه‌داری وسیعا این بخش طبقه کارگر را در ورطه نابودی فیزیکی و روحی قرار داده است. حاشیه نشینان عملا از جانب بخش وسیعی از جامعه به دلایل فوق الذکر بدون تلاش برای ریشه یابی معضلاتشان طرد میشوند و دولت اسلامی سرمایه کوچکترین مسئولیتی در قبال آنان بعهده نگرفته است. با توجه به شدت بحران اقتصادی جهان و به تبع آن ایران و افزایش روز افزون تورم در جامعه این احتمال که جمعیت میلیونی حاشیه نشین شهرها به دو برابر، یعنی ۱۵ میلیون نفر افزایش یابد، امریست قابل پیش بینی.

بنا به آمار رسمی هفت میلیون و پانصد هزار نفر از جمعیت ایران در حاشیه شهرها بزرگ ایران زندگی می‌کنند. خبرگزاری مهر، از قول مجید روستا، "مدیر کل دبیر خانه ستاد ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی" گفته است: "با گسترش زندگی شهری و مهاجرت روستائیان و ساکنان شهری کم برخوردار به شهرهای بزرگ، زندگی حاشیه نشینی با ساخت و سازهای غیراصولی روز به روز گسترش یافته و هم اکنون به بیش از هفت میلیون و پانصد هزار نفر از جمعیت شهری کشور در این مناطق ساکن هستند."

اظهارات فوق از جانب عالیترین مرجع عرصه مربوطه بیان شده که اگر کم نگفته باشد بیشتر نگفته است. با افزایش بیکاری در روستاها و شهرهای کوچکتر و قطع امید از تامین حد اقل نیازها زندگی، میلیونها نفر به امید تغییری نسبی در شرایط زندگی و یافتن کار به حاشیه شهرهای بزرگ سرازیر شده‌اند. این میلیونها انسان به ادعای خود رسانه‌ها از حد اقل امکانات زندگی انسانی و استاندارد شهری نیز محروم میباشند. عدم وجود امکانات اولیه کافی برای زندگی از جمله آب، برق، درمانگاه، وسائل نقلیه و همچنین سیستم فاضلاب شهری این میلیونها انسان قربانی نظام استثمارگرانه حاکم را در معرض امراض جدی و یک تراژدی انسانی عظیم میلیونی قرار داده است. اولین و بیشترین قربانیان این زندگی جهمی کودکان حاشیه نشینان میباشند که از سوء تغذیه شدید رنج میبرند و لنتی از زندگی و دنیای کودکان خود نمیبینند. این میلیونها کودک بدلیل وارد شدن به بازار کار و عدم

جمهوری اسلامی علیرغم دریافت وامی به مبلغ ۲۳۰ میلیون دلار از بانک جهانی بمنظور "ساماندهی" حاشیه نشینان چند شهر به گفته مجید روستا، مانند زاهدان، تبریز، بندرعباس، کرمانشاه و سنندج مانند بسیاری دیگر از طرح‌ها، اقدامی جدی صورت نگرفته است و مردم به حق با تردید در مصرف کردن این بودجه می‌نگرند.

در وب سایت بی بی سی بخش فارسی از زبان کارشناسان (بدون ذکر نام) اشاره شده است که قسمتهایی از آن میتواند بروشنی اوضاع را ترسیم کند

وب سایت بی بی سی بخش فارسی از زبان کارشناسان (بدون ذکر نام) چنین میگوید: حاشیه نشینان شهرها اغلب شغلی ندارند و برای تامین نیازهای روزمره به دست فروشی، دوره گردی، جمع آوری زباله و گدایی می‌پردازند و در میان آنها آمار سرقت و قاچاق مواد مخدر نیز بالاست. کارشناسان می‌گویند تا زمانی که توزیع ثروت و امکانات در مناطق مختلف روستایی و شهری عادلانه نیست و برنامه‌ای برای کاهش فاصله طبقاتی وجود ندارد، باید همچنان منتظر افزایش حاشیه نشینی بود.

بی بی سی در ادامه از قول همان "کارشناسان" سناریویی که برای رژیم میتواند مخاطره‌انگیز باشد چنین میگوید: "برای رفع بحران حاشیه نشینی دولت باید ساختار اقتصادی ایران را اصلاح کند و وضعیت زندگی شهروندان را بهبود بخشد و **گرنه دولت باید خود را برای مقابله با عوارض اجتماعی و امنیتی حاشیه نشینی آماده کند.**" (خط تاکید از من)

این کارشناس بدست به حساسترین بخش موضوع حاشیه نشینان شهرهای بزرگ که میتواند برای نظام سرمایهداری بشدت خطرناک باشد، پرداخته است. نقشی که پادآور شورش و بمیدان آمدن حاشیه نشینان شهر تهران و تقابل آنان با نظام شاهنشاهی میباشند. اهم مطالبات مردم

حاشیه نشین شهرها از دولت اسلامی سرمایه چه باید باشند؟ این سوالی است که در مقابل هر فعال کارگری و هر انسان کمونیستی باید قرار بگیرد و نه تنها در مقام پاسخگویی به سوالات بلکه بعنوان بخشی از جنبش خودآگاه طبقه کارگر لازم است به یک پراتیک اجتماعی متوصل شوند. بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد رسمی به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال، رفع کلیه نیازهای زیستی مردم و برچیدن تفاوت استاندارد زندگی شهر و روستا، تامین آب آشامیدنی، برق و گاز و فاضلاب، ایجاد مدارس در سطوح مختلف دوری مصافت مانع از تحصیل کودکان نشود.

کارگران کمونیست و رهبران کارگری در رشته‌های مختلف صنعتی نمیتوانند در مقابل این معضل اجتماعی ساکت باشند. اعتراض به نحوه زندگی کنونی و ایجاد تغییرات بنیادی در این جامعه امر بالفعل طبقه کارگر ایران میباشد. وجود این درجه از فقر و بیکاری علیرغم مشکلات عیدهای که فوقا بر شمردیم نیروی ذخیره کار را وسیعا افزایش میدهد و سرمایهداران سودجو که همیشه در صدد کار ارزان و کارگر خاموش میباشند از این حربه علیه کل طبقه کارگر و بویژه کارگران شاغل، استفاده میکنند. بحران کنونی نظام سرمایهداری جهانی می‌رود تا فقر بمراتب شدیدتری را به طبقه کارگر و اکثریت جامعه تحمیل بکند. طبقه کارگر ایران راهی جز مبارزه در پیش ندارد. پرچم مطالبات فوق و تعیین تکلیف با رژیم هار اسلامی سرمایه امر فوری و عاجل طبقه کارگر ایران است که با متحد شدن خود و بمیدان آمدنش و در نهایت تحزب کمونیستی اش نظام سر تا پا ناعادلانه و استثمارگرانه جمهوری اسلامی سرمایه را به زیر بکشد و نظامی فارغ از استثمار را بر ویرانه‌های آن بنا کند.

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است. کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.

دارنده حساب : A.J

شماره حساب: 60281719

کد بانکی: 205851

نام بانک: Barclays

